



چه خبر؟

گذر روزهای پایانی تابستان با «نسیم»

پس از ایام سوگواری حضرت سیدالشهدا(ع) و بخش برنامه های منعطف با آن روزهای غمبار، جدول پخش شبکه‌نسیم با تغییرات و متناسب با روزهای پایانی تعطیلات تابستان پیش‌بینی و طراحی شده‌است.

به گزارش جام‌جم، از این رو برنامه «نفس» که پخش خود را از ابتدای ماه محرم و با نمایش نقش‌آفرینی مادران سرزمین مان ایران آغاز کرده‌است، با حال و هوای متفاوت به پخش خود ادامه می‌دهد. این برنامه با اجرای فلورا سام، عاشقانه‌ای از مادران بزرگ‌منش کشورمان ساخته شده و سعی دارد با تصویری درست، آرامش مفقودشده در زندگی امروز را از دوران پیش یادآوری کند
نفس هرشب ساعت ۳۱و۳۰ دقیقه مهمان خانه‌های علاقه‌مندان این برنامه خواهد شد.

«ورزشپا» که با مرور رقابت‌های المپیک ۲۰۲۰ کار خود را در این فصل آغاز کرده‌است، در ادامه با نگاه به رقابت‌های پارالمپیک و نیز معرفی قهرمانان و مدال آوران رشته‌های مختلف با بسته‌ای متفاوت، این شب‌ها ساعت ۲۰و۳۰ دقیقه از شبکه‌نسیم پخش می‌شود. معرفی رشته‌های ورزشی، سرگذشت چهره‌های برجسته المپیک و مرور اتفاقات ویژه این رویداد از بخش‌های دیگر این برنامه است.



فصل جدید برنامه «ویتامین خ» با تغییرات در فرم و اجرا با هدف تغییر احوال این روزها به آنتن نسیم می‌آید تا با اتفاقات جدید و بخش‌های جذاب و شیرین لبخند را به مخاطبان خود هدیه نماید. این برنامه شبیه تا چهارشنبه ساعت ۲۰ از شبکه‌نسیم پخش می‌شود.

سری جدید «نبرد ربات‌ها» برای علاقه‌مندان رقابت‌های خاص و هیجان‌انگیز تدارک دیده شده‌است. این برنامه با شرکت‌کنندگانی روبه‌روست که با خلاقیت و استراتژی ربات‌های خود را در مسیر رقابت قرار می‌دهند. نبرد ربات‌ها جریان و چالش ربات‌هایی است که پشت سر خود چندین مهندس برق و کامپیوتر دارند و سعی می‌کنند در هر مسابقه باکسب تجربه جدید به برتری برسند. این برنامه که توسط تامین برنامه شبکه پنج آماده‌سازی شده‌است هر شب ساعت ۲۳ روی آنتن می‌رود.

انیمیشن «جوانمردان» نیز که روایتی درس‌آموز در بستری از تاریخ ایران است، با داستان‌های متنوع و غرورآفرین هر روز ساعت ۱۸و۳۰ دقیقه طبق روال قبل پخش می‌شود.

«پریدخت» به الکوثر آمد

مجموعه تلویزیونی «پریدخت» به کارگردانی سامان مقدم از شبکه‌الکوثر پخش می‌شود. به گزارش جام‌جم، با اتمام مجموعه تلویزیونی «معصومیت از دست رفته» سریال «پریدخت» به نوسندگی احمد فریعی‌زاده در برنامه پخش شبکه‌الکوثر قرار گرفته‌است.

در خلاصه داستان این سریال آمده‌است: پریدخت، داستان زندگی دختری به نام لیلا است. او دختریکی از تاجران سرشناس شهر است و دو خواستگار دارد. یکی نادر، پسر خان شهر است که پس از مرگ پدر قدرت را به دست می‌گیرد و دیگری نصرت نام دارد. داستان سریال از سال ۱۳۱۴ و در جریان واقعه مسجد گوهرشاد شروع می‌شود، در مقطعی از سال ۱۳۲۰ جریان پیدا می‌کند و تا سال ۱۳۳۴ ادامه دارد. لیلا حاتمی، علی مصفا، کامبیز دیرباز، شاهرخ استخری، داریوش ارجمند، عباس امیری، سیدمehرداد ضیایی، حسن پورشیرازی، صالح میرزاآقایی و مهوش صبرکن در پریدخت به تهیه‌کنندگی رامین عباسی زاده نقش‌آفرینی کرده‌اند.

این مجموعه تلویزیونی از دیروز ساعت ۱۵و۵ دقیقه به وقت تهران با زبانگردانی و دوبله به زبان عربی توسط شبکه‌ای فیلم، روی آنتن شبکه‌الکوثر رفته‌است.



بد دوست داشتنی» به کارگردانی محمد صفا، «زندگی میان پرچم‌های جنگی» به کارگردانی محسن اسلام‌زاده، «نفوذی» اثری از جواد موگویی، «چشم‌ها و دست‌ها» به کارگردانی پناه‌رخدا رضایی، «گاراژ» به کارگردانی حمید مهاجرانی و «آسک» اثری از مهدی زمانپور کیاسری روی آنتن می‌رود.

همه برنامه هایم را دوست دارم

من هر برنامه‌ای که قبول می‌کردم و مشغول می‌شدم، بدون استثنا دوست داشتم و علاقه داشتم. همیشه آموزش هم برایم خیلی جذابیت داشته و دارد و واقعا از آموزش دادن لذت می‌برم. همچنین به من پیشنهاد شد که در دانشکده خودمان گویندگی، فن بیان، شعر و ادبیات درس بدهم و این کار را در دانشکده صداوسیما شروع کردم و این درس دادن باعث شد روش‌های منحصربه‌فردی را پیدا کنم؛ برای مثال روش‌هایی پیدا کردم که تارها فعال و صدا پُر و کامل شود. صدا مانند پیانو از زیرترین تا بم‌ترین فرکانس را دارد و این بستگی به توانایی خودمان در استفاده از تارهای صوتی دارد. همچنین فهمیدم بهترین روش تنفس، استفاده از دیافراگم و برای گویندگی مناسب است. به نظر ما به طور غریزی توانایی همه کارها را داریم اما باید عملی صورت بگیرد و بستگی دارد آدم بخواهد توانایی بالقوه را بالفعل کند. پس این توانایی در ما وجود دارد اما بروز نکرده‌ است. در مجموع در همه سال‌های فعالیت‌م در شبکه‌های مختلف رادیو حضور داشتم. همچنین چند برنامه تلویزیونی با محوریت ادبیات و شعر هم اجرا کردم. یکی از تهیه‌کنندگان رادیو، مهدی‌علی احمدی طرحی را داد که قبول کردم و به برنامه «شاخه طوبی» رفتم. از آنجا شروع شد و برنامه‌های دیگر مانند شباهنگ، غزل‌های امام و ... پیش آمد. حتی در شروع شبکه جام‌جم من طرحی را دادم که تهیه‌کننده، نویسنده و مجری برنامه بوم به نام نگارستان سخن که شاید ۴۰ یا ۵۰ برنامه پخش شد. در مجموع شعر و علاقه‌ام به ادبیات باعث شد تا به امروز گویندگی بسیاری از برنامه‌ها را با این محوریت داشته باشم.

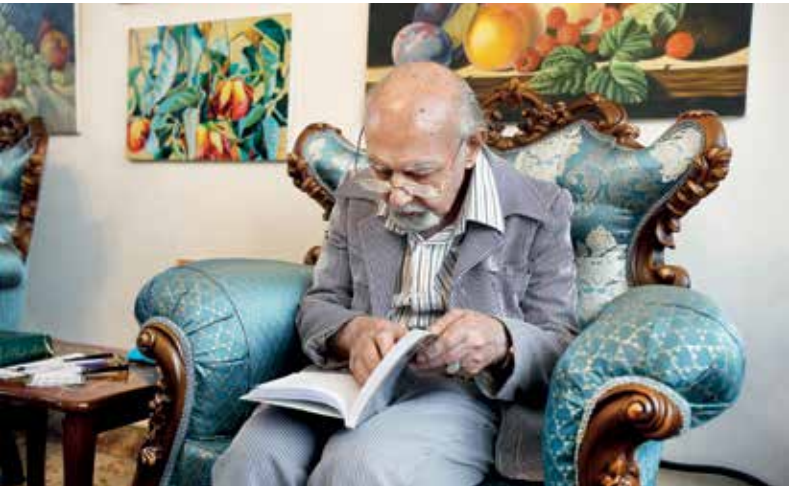
احترام به مردم را یادمان نرود

گوینده باید مطابق معیار گویندگی و بیان رسمی صحبت کند. صدا کاملاً درست و منطبق بر قاعده و قانون و بیان، مطابق معیار باید باشد. اما استاد هم باید در دانش خود اطلاعاتش کامل باشد. کتاب اول من چاپ شده که در آن به گوینده می‌گویم باید عاشق کار گویندگی باشد و تربیت خانوادگی و توانایی‌های این کار را داشته باشد. به طور کامل آموزش ببیند و بعد شروع به کار کند و در دوران کار هم آموزش باید همیشگی باشد. برخی از گویندگان کلمات را به درستی بیان نمی‌کنند و این اشکال دارد. گویندگان در مقابل میلیون‌ها انسان از بالاترین مقام تارده سنی پایین قرار دارند و باید حرف زدن را یاد بگیرند. اولین موضوعی که گوینده باید رعایت کند ادب و احترام به شنونده است، چون از مقام معظم رهبری گرفته تا وزرا، پدرت و ... برنامه را گوش می‌دهند. گوینده شخصیت ثابت و همیشگی دارد. ادب و تربیت در رأس همه است و اگر همه این‌ها رعایت شود شنونده، خبر و هر مطلبی را متوجه خواهد شد. گوینده باید جایگاه خود را بشناسد و بداند در جایگاهی قرار دارد که میلیون‌ها شنونده به او گوش می‌دهند. همیشه هم تاکید کرده‌ام مردم همه چیز را از رادیو یاد می‌گیرند.

ظرفیت زبان فارسی

زبان فارسی، زیباترین و کامل‌ترین زبان‌های دنیاست و این زبان بیانش و آوایش پُر از موسیقی و زیبایی است که کمتر زبانی در دنیا اینقدر شیرینی گفتار دارد. زبان فارسی این ظرفیت را به طور کامل دارد که هرگز به پایان توانایی آن به این سرعت نمی‌توانیم برسیم. ما و همه کشورهای دنیا بدون استثنا زمانی که به استقلال و حاکمیت مطلق رسیدند برای حفظ استقلال و حاکمیت یک زبان رسمی را استفاده کردند. بعد از پذیرش اسلام از ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ سال پیش تا حالا زبان فارسی دری، زبان رسمی و ملی ما شد که بزرگ‌ترین شاعران ما یعنی رودکی، فردوسی، سعدی و حافظ و ... به این زبان شعرهای خود را نوشتند. ایران از قوم‌های مختلف تشکیل شده و هر کجای ایران اگر کسی سواد خواندن و نوشتن داشت و این نمود زبان فارسی نوشتاری را یاد گرفته بود، می‌توانست شعرهای فردوسی را به لهجه مادری بخواند. از زمانی که رادیو به وجود آمد چون یک رسانه گفتاری و شنیداری بود، باید بیانی را برای گفتن و شنیدن انتخاب می‌کرد و این انتخاب باید منطبق با آن زبان رسمی می‌شد. اولین رادیو در هر کشوری در پایتخت افتتاح می‌شد که باید از زبان پایتخت استفاده می‌کرد تا این زبان همگانی شود. هر زبانی از دو ویژگی اساسی لهجه و گویش برخوردار است. رادیو در تهران افتتاح شد بنابراین در بیان رادیو لهجه تهران و گویش قشر تحصیلکرده دانشگاه انتخاب شد. تصمیم گرفته شد که گوینده با لهجه و بیان کتابی حرف بزند و از ابتدا این نوع افراد را انتخاب کردند. در بسیاری از شهرستان‌ها باید فردی برای مردم بیان رادیو را ترجمه می‌کرد و حتی در تهران برای مردمی که در قهوه‌خانه‌ها جمع می‌شدند، یک نفر برای مردم کم‌سواد و بی‌سواد ترجمه می‌کرد. مدتی در شهرستان‌ها طول کشید تا مردم و جوان‌ها با این بیان آشنا شوند و فهمیدند رادیو چه می‌گوید. بعد از مدتی با هم‌کاری خانم پژوهش، رضایی و امیر معز در استودیو ۱۴ میدان ارگ برنامه «سلام آموزش می‌دید. اگر یک استاد دانشگاه را در زمان حاضر به رادیو دعوت کنیم و با لهجه صحبت کند مساله‌ای نیست اما در هر برنامه دیگری اگر گوینده یک دهم لهجه داشته باشد، مردم ایراد می‌گیرند.

وقتی از خبر وارد ادبیات شدم



به یاد دارم گفته بودند که گویندگان خبر کار دیگری انجام ندهند و استاد فرامزند هم من را برای خبر انتخاب کرده بود. ساختمان جام جم حدود سال ۱۳۵۰ افتتاح شده بود که بیابان پرهوت بود و من در آن زمان به پخش قدیم تلویزیون و رادیو می‌رفتم و خبر می‌خواندم. در همین دوره بود که روزی با استاد انجوی به شیراز رفتم به دلیل این‌که می‌خواست گزارشی تهیه کند. در همان زمان او گفت: تو در زمینه شعر و ادبیات توانایی بیشتری داری؛ البته به خبر هم مسلطی و خوب می‌خوانی اما می‌دانم عشق و علاقه بیشتری به ادبیات داری. او گفت تا زمانی که خبر می‌خوانی فقط زبان حکومت هستی، بنابراین به ادبیات برگرد تا زبان ملت، تمدن و فرهنگ ایران باشی. به تهران که آمدم با استاد فرامزند صحبت کردم تا در نهایت قبول کرد من دوباره به کار ادبیات و فرهنگ برگردم و دوباره برنامه کاروان شعر و موسیقی، فرهنگ مردم و برنامه خانواده را اجرا کردم. بعد از مدتی با همکاری خانم پژوهش، رضایی و امیر معز در استودیو ۱۴ میدان ارگ برنامه «سلام بامدادی» را ضبط می‌کردیم که بعد از خبرهای ساعت ۷ تا ۸ صبح پخش می‌شد. سردبیر این برنامه علی رسولی و مسؤول برنامه آقای فرامزند بود. یک روز آقای فرامزند به سردبیر گفت چرا تحولی ایجاد نمی‌کنی؟ برنامه یکنواخت شده است. به همین دلیل ۳۰ یا ۴۰ طرح آورد و گفت این‌ها را نوشتم تا هر هفته با تنوع اجرا کنی. او فرد متبحر، بهترین گوینده و مترجم بود و درباره ادبیات، شعر و زبان فارسی زیاد می‌دانست. روزی که جلسات شورای برنامه‌ها بود همه دعوت می‌شدیم و آقای معینیان هم می‌آمد. برنامه‌ای را انتخاب می‌کردند تا پخش شود و همه روی آن نظر می‌دادند. قسمت‌های خوب، برجسته و ضعیف را می‌فهمیدند و توضیح می‌دادند. یک آموزش فوق‌العاده بود و بازشنوبایی برنامه، فوق‌العاده تأثیر مثبت داشت و مورد توجه بسیاری قرار گرفت.

خواهد داشت. مستندهای راه‌یافته در بخش بلند، نیمه بلند و کوتاه از شنبه تا پنجشنبه هر شب ساعت ۲۰ از شبکه‌مستند پخش شده و بازپخش آن ساعت ۲۴ و ۹ صبح روز بعد است. براساس این گزارش، در هفته نخست پخش آثار که از امروز آغاز شده و تا پنجشنبه ۱۱ شهریور ادامه دارد، به ترتیب مستندهای «پسر

جدول پخش مستندهای بخش مسابقه پنجمین جشنواره تلویزیونی مستند از شبکه‌مستند سیما مشخص شد. به گزارش جام‌جم، پنجمین جشنواره تلویزیونی مستند که از دیروز، ۶ شهریور با پخش ۷۳ اثر راه یافته به بخش مسابقه کار خود را از آنتن شبکه‌مستند سیما آغاز کرده‌است تا ۶ آبان ماه ادامه

که ۵ دهه است در رادیو گویندگی می‌کند

که دوست دارم



غلامعلی امیرنوری، گوینده پیشگسوتی است که برنامه‌ها و آثار زیادی از روی آنتن برده و خیلی‌ها خاطرات زیادی با صدای او دارند / عکس: عارف طاهرگزار - جام جم

هستند. نگاهی به صورت استاد می‌اندازم که هر یک از چین و چروک‌های روی پیشانی‌اش روایتگر زحماتی است که او در طول ۵۰ سال و اندی فعالیت در رادیو کشیده و هنوز هم عاشقانه هفته‌ای یک یا دو روز راهی استودیوهای رادیو می‌شود و برای رادیوهای ایران و فرهنگ از شعر و ادبیات می‌گوید. او خودش را عاشق رادیو توصیف می‌کند و به این رسانه تعصب دارد. او هنوز هم آسمان رادیو را پر از ستاره می‌بیند. عشق استاد به شعر و ادبیات در تمام صحبت‌هایش خودنمایی می‌کند. او در صحبت‌هایش مرتب این جمله را تاکید می‌کند که هر کاری می‌خواهید شروع کنید و یاد بگیرید، حتما باید عاشقانه دوست داشته باشید تا بتوانید موفق شوید. استاد امیرنوری کارهای برجسته‌ای تا به امروز انجام داده و توانسته با صدای بم خود مخاطبان زیادی را پای رادیو بنشانند. خواندن صحبت‌های شنیدنی این استاد خالی از لطف نیست.

وقتی کلاه سرشان گذاشتم!

میدان ارگ رادیو یک مدیر عمومی به نام مرحوم مسعود گنج‌ای داشت که با شرکت انتشاراتی سروش و مدیریتس مهندس مهدی فیروزان دوستی داشت. گنج‌ه‌ای گفت می‌خواهی با فیروزان آشنا شوی و کاری کنی؛ گفتم بله. سال ۶۷ بزرگداشت حافظ در شیراز بود و من به فکر افتادم که برای بزرگداشت حافظ یک آلبوم حاوی دو کاست فراهم کنم و طرحش را به مهندس فیروزان دادم که خوشش آمد. زندگی حافظ را به چهار دوره جوانی و زندگی در عهد شاه ابواسحاق اینجو، امیر مبارزالدین، دوره شاه شجاع و یحیی (پسران مبارزالدین) و دوره آخر دوران جاودانگی حافظ، غزل‌هایی که تاریخ ندارند ولی جاودانه است، تقسیم کردیم. برای هر دوره از آرشیو، موسیقی گرفتیم. دو کاست در یک آلبوم بود که شامل یک موسیقی و یک آواز از بنان و محمودی خوانساری می‌شد. طرح را برای تصویب به وزارت ارشاد دادم اما تصویب نکردند. گفتند بنان و محمودی خوانساری چون خوانندگان دوره قبل بودند، نباید استفاده شود؛ گفتم فقط در شیراز برای بزرگداشت حافظ پخش می‌کنیم، بنابراین در مجوزی که به من داد نوشت فقط در شیراز. بزرگداشت با حضور دوستان رادیویی برگزار شد و یک ماه بعد از وزارت ارشاد تلفن زدند و گفتند به ما کمک زدی؟! این صداها را در بین مهمانان پخش کردی و در همه جای ایران پخش شده است. بعد از آن بود که رادیو و تلویزیون، آواز بنان و خوانساری را پخش کرد. در بزرگداشت حکیم نظامی هم باز یک آلبوم دو کاسته از زندگی نظامی به نام آفاق عشق نظامی تهیه کردم و فریدون شهبازیان قبول کرد که تمام موسیقی‌ها را فراهم کند و مهندس فیروزان پیشنهاد داد که از حسام‌الدین سراج به عنوان خواننده در این کار بهره ببریم. هنوز بسیاری از دوستان و استادان دانشگاه می‌گویند به این کاست‌ها گوش می‌دهیم و من هم به فکر افتادم که در قالب سی‌دی آن را عرضه کنم. در بزرگداشت فردوسی هم باز یک آلبوم دو کاسته از هفت خان رستم، زندگی فردوسی و کل شاهنامه همراه با موسیقی و نقالی تهیه کردیم.

انقلاب کرونا

معتقدم بهترین گویندگان تلویزیون، گویندگان رادیو بودند و سالم‌تر، درست‌تر و بهتر حرف می‌زدند. الان دیگر زمانی نیست که گوینده پنهان از بیننده و شنونده باشد. چه اشکالی دارد که یک جا حرف بزند و جای دیگر تصویر و حرف او باشد. البته باید بگویم میانه من با رادیو خوب است و کاملاً به رادیو تعصب دارم و عاشق رادیو هستم. حیف که متأسفانه درگیر انقلاب کرونا شدیم و من هم مجبور شدم به خاطر کرونا هم کمتر به رادیو بروم و هم این‌که کلاس‌های آموزشی‌ام را فعلاً برگزار نکنم، چراکه کرونا به قول معروف شوخی بردار نیست! اما با این وجود هفته‌ای یک تا دو روز به رادیو می‌روم و برنامه اجرا می‌کنم. در مجموع معتقدم هر کاری که می‌خواهید یاد بگیرید و بعد از یادگیری عمل کنید و آن کار وسیله زندگی‌تان باشد، باید عاشقانه دوست داشته باشید. ما در همه کارها توانایی بالقوه داریم اما باید عاشق آن کار باشیم تا آن توانایی‌ها بالفعل شود.

دکلمه ابتدایی «ربنا» را من خواندم

من خاطره‌ای هم از ضبط «ربنا» دارم که جالب است. «ربنا» سال‌های اول انقلاب ضبط شد. مرحوم حسین صبحدل (موزن و هیه‌کننده پیشگسوت رادیو) از من خواستند که همراه آقای شحریان «ربنا» را اجرا کنم و این گونه بود که دکلمه ابتدایی «ربنا» را خواندم. شعر این دکلمه را آقای صبحدل از مثنوی افشاری مولانا انتخاب کرده بودند. من هم که دکلمه «ربنا» را خوانده‌ام و سال‌ها پخش شد، دیگر مال من نیست بلکه متعلق به رادیو و مردم است؛ در واقع آنچه که مردم دوست دارند، متعلق به آنهاست.